



Center for Strategic Studies of the
Islamic Republic of Iran Army

Quarterly Journal Of
Army Strategic Research
Print ISSN:27834212
Volume 4, Issue 12
Summer 2025
P.P. 117-145

Ontology and Nature of Youthfulness of Population (Essence, Rationale, and Modality)

Shahla Kazemipour*¹, Naser Shahryari²

Abstract

In recent decades, Iran has experienced significant demographic transformations, most notably a decline in fertility rates below the replacement level. This phenomenon has altered the age structure of the population and created challenges in social, economic, cultural, and even political spheres. The reduction in fertility has decreased the proportion of young people and accelerated the process of population aging. This trend has prompted policymakers and planners to develop strategies aimed at increasing fertility and supporting families. The population of any country is considered its greatest asset and source of power, and youth are the main drivers of development and social change; thus, the period of youth is referred to as the “compressed period of demographic events.” The persistent decline in fertility and the emergence of the “low fertility trap” are largely attributed to profound changes in societal values and perspectives—a phenomenon known as the “second demographic transition,” which reflects a shift toward post-materialist and individualistic values. While Iran’s population maintained a youthful structure until the 1980s, from the mid-1990s onward, it gradually moved out of this phase, with signs of aging becoming apparent. This study, through the analysis of demographic data from Iran and the world and a review of reputable scientific sources, examines the ontology and nature of youthfulness in the population—its essence, rationale, and modality—and elucidates its implications for the country’s future

Keywords: Decline in fertility, low fertility trap, first and second demographic transition, youthfulness of population, speed of population aging, transition.

Citation: Kazemipour, Shahla, Shahryari, Naser, (2025). Ontology and Nature of Youthfulness of Population (Essence, Rationale, and Modality). *Journal Of Army Strategic Research*, 4 (12), 117-145.

1. Ph.D. Sociologist and Faculty Member at University of Tehran.Iran (Corresponding author)
Email:skazemipour@gmail.com

2. Ph.D.Sport Management, Islamic Azad University of Isfahan, Iran.

Received: 2025/06/05

Article Type: Research - based

Accepted: 2025/08/17



هستی‌شناسی و ماهیت جوانی جمعیت (چیستی، چرایی و چگونگی)

شهلا کاظمی پور^{۱*}، ناصر شهریاری^۲

چکیده

در دهه‌های اخیر، ایران با تحولات جمعیت‌شناختی چشمگیری، به‌ویژه کاهش باروری به زیر سطح جانشینی مواجه شده است؛ پدیده‌ای که ساختار سنی جمعیت را دگرگون ساخته و چالش‌هایی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی ایجاد کرده است. کاهش سطح باروری، سهم جمعیت جوان را کاهش داده و روند سالمندی را تسریع نموده است. این روند، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را به تدوین راهبردهایی برای افزایش باروری و حمایت از خانواده واداشته است. جمعیت هر کشور بزرگ‌ترین سرمایه و منبع قدرت آن محسوب می‌شود و جوانان، نقش‌آفرینان اصلی توسعه و تغییرات اجتماعی‌اند؛ به‌گونه‌ای که دوره جوانی را «دوره فشرده‌گی وقایع جمعیتی» می‌نامند. کاهش مستمر باروری و ورود به «تله باروری پایین»، عمده‌تأ ناشی از دگرگونی‌های عمیق در نظام ارزشی و نگرشی جامعه است؛ پدیده‌ای که با عنوان «گذار جمعیتی دوم» شناخته می‌شود و بیانگر حرکت به سوی ارزش‌های فرامادی و فردگرایانه است. جمعیت ایران که تا دهه ۱۳۶۰ ساختاری جوان داشت، از اواسط دهه ۱۳۷۰ به‌تدریج از وضعیت جوانی خارج شد و نشانه‌های سالمندی در آن پدیدار گردید. این پژوهش با تحلیل داده‌های جمعیتی ایران و جهان و مرور منابع علمی معتبر، به بررسی هستی‌شناسی و ماهیت جوانی جمعیت، چیستی، چرایی و چگونگی آن پرداخته و پیامدهای آن را برای آینده کشور تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: افت باروری، تله باروری پایین، جمعیت اول و دوم، جوانی جمعیت، سرعت سالمندی، گذار.

استناد: کاظمی پور، شهلا؛ شهریاری، ناصر (۱۴۰۴). هستی‌شناسی و ماهیت جوانی جمعیت (چیستی، چرایی و چگونگی)؛ فصلنامه پژوهش‌های راهبردی ارتش ۴(۱۲). ۱۱۷-۱۴۵

۱. جامعه شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: skazemipour@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری، مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶

مقدمه

جمعیت هر کشور، بزرگ‌ترین ثروت و منبع قدرت سیاسی و اقتصادی آن کشور به حساب می‌آید. رشد جمعیت، ساختارسنی و تأثیر آن بر توسعه‌ی موضوعی است که از دیر باز توجه صاحب‌نظران مسائل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی را به خود مشغول کرده است.

محققان توسعه امروزه بر این عقیده‌اند که از میان سرمایه‌های فیزیکی، تکنولوژیکی و انسانی، آنچه که در مسیر تحولات تمدنی غرب مهم و مؤثر بوده است. متغیر کلان سرمایه‌ی انسانی و بهره‌وری صحیح از آن می‌باشد. هاربیسون عقیده دارد: «منابع انسانی پایه‌ی اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند. سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولیدند. در حالی که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی را می‌سازند و توسعه‌ی ملی را به جلو می‌برند». به وضوح کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری کند، قادر نیست هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد (تودارو، ۱۳۶۶: ۴۷۳).

جوانان، کنشگران اصلی عرصه توسعه و تغییرات اجتماعی هستند. آن‌ها نه تنها آینده‌سازان کشور، بلکه جزء اصلی زمان حال و جامعه کنونی هستند. دوره جوانی به لحاظ جمعیت شناختی از اهمیت قابل توجهی در مقایسه با سایر دوره‌های چرخه زندگی برخوردار است. از اینرو، از دوره جوانی به عنوان «دوره فشردگی وقایع جمعیتی» نام برده‌اند (ریندفوس، ۱۹۹۱).

بر اساس این چارچوب، بیشتر وقایع و رفتارهای جمعیتی در طول سال‌های دوره جوانی یعنی سنین ۱۵ تا ۳۰ سالگی رخ می‌دهد. در این سنین، بیشترین تغییرات و گذارهای زندگی نظیر اتمام و ترک تحصیل، ورود به بازار کار، بیکاری، گذار به بزرگسالی، ازدواج و تشکیل خانواده، تجربه والدینی، طلاق، رفتارهای پرخطر بهداشتی، مهاجرت و غیره رخ می‌دهد. تراکم و فشردگی وقایع در طول سال‌های جوانی در دوره‌های تغییرات سریع بسیار حیرت آور است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲).

در ادبیات جمعیت‌شناسی، جمعیت‌هایی که بیش از ۴۰ درصد جمعیت آن‌ها کمتر از ۱۵ سال باشند جمعیت جوان نامیده می‌شوند. در صورتیکه در این جمعیت‌ها به همراه کاهش مرگ‌ومیر، بخصوص مرگ‌ومیر نوزادان و کودکان، میزان موالید نیز کاهش یابد، در بازه ۱۵ سال بعد، سهم جوانان (۳۰-۱۵ ساله‌ها) افزایش یافته و اصطلاحاً، «تورم جوانی جمعیت»، نامیده می‌شود.

رشد جمعیت و تغییرات ساختار سنی همواره در جمعیت‌شناسی مورد توجه بوده است. این دو پدیده جمعیت‌شناسی، هر دو از پیامدهای گذار جمعیتی (حرکت از میزان‌های باروری بالا و میزان‌های مرگ‌ومیر بالا به سوی میزان‌های مرگ‌ومیر پایین و پس از آن میزان‌های باروری پایین) است. به بیان دیگر، گذار جمعیتی فرایندی است که در آن، جمعیت‌ها در ابتدا، از باروری و مرگ‌ومیر بالا با توزیع سنی جوان و در نتیجه، رشد پایین جمعیت کل (تعادل اولیه یا پیشاگذار)، به سوی باروری و مرگ‌ومیر پایین با توزیع سنی پیر و در نتیجه نرخ رشد پایین جمعیت کل (تعادل ثانویه یا پساگذار) حرکت می‌کنند.

طی گذار جمعیتی، معمولاً، نخست مرگ‌ومیر شروع به کاهش می‌کند و به دنبال آن، پس از چند دهه، باروری کاهش می‌یابد. کاهش اولیه در میزان‌های مرگ و میر، به ویژه میزان مرگ‌ومیر نوزادان و کودکان، باعث ایجاد نسل «خیز زاد و ولد»، می‌شود، که در آن افراد بیشتری نسبت به نسل‌های پیشین به دلیل بقای بالاتر حضور دارند. به دنبال آن و پس از مدتی میزان باروری نیز کاهش می‌یابد و در آن نقطه از زمان، «خیز کودک» نیز متوقف می‌شود. ولی در ساختار سنی یک برآمدگی ایجاد می‌شود که ناشی از کاهش ناهمزمان مرگ‌ومیر و باروری است. این برآمدگی به ویژه اگر کاهش مرگ‌ومیر و باروری زیاد باشد و دوره بین کاهش مرگ‌ومیر و باروری کوتاه باشد، مشخص می‌شود. این برآمدگی همچنان در طول زمان به پیش می‌رود و در هر سن در مسیر گذار خود تغییراتی را رقم می‌زند.

کاهش ناهمزمان مرگ‌ومیر و باروری به تغییرات (طبیعی و برگشت ناپذیر) در نرخ‌های رشد گروه‌های سنی، سهم گروه‌های سنی از جمعیت و توزیع سنی منجر می‌شود که تأثیرات آن، دهه‌ها ادامه می‌یابد (محبی میمند و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۱۰).

رول‌اند دونالد (۱۹۴۶) می‌گوید: «تغییرات در ساختار سنی جمعیت را باید همچون یک انقلاب خاموش تلقی کرد که سیمای جوامع را در سراسر جهان دگرگون خواهد کرد. اگرچه اندیشمندان از مدت‌ها پیش، چنین تحولات عمیقی را در ساختار سنی جمعیت پیش‌بینی کرده بودند، اما وسعت و عمق این تحولات در حال حاضر به مراتب فراتر از پیش‌بینی‌های قبلی است، زیرا جوامع، گذار جمعیتی کلاسیک را پشت سر گذاشته‌اند و وارد شرایط جدیدتری شده‌اند که از آن به عنوان گذار جمعیتی دوم یاد می‌کنیم. روندهای نسلی با تغییرات چشمگیری مواجه هستند. در گذشته نسل‌های جوان‌تر و جدیدتر، همواره بزرگتر و پرجمعیت‌تر از نسل والدین خود بوده‌اند در حالیکه امروزه این روند در بسیاری از کشورها در حال تغییر و معکوس

شدن است این تحولات در ساختار سنی جمعیت، پیامدهای عمیق و اساسی را در آینده در زمینه‌های متعدد مثل نیروی کار جامعه و تغییرات نسلی به همراه خواهد داشت.

ایران نیز در چند دهه اخیر تحولات جمعیت شناختی شگرفی را تجربه کرده است. میزان باروری کل (تعداد متوسط فرزندان یک زن در سنوات باروری ۴۹-۱۵ ساله) در کشور از حدود ۶/۷ فرزند در سال ۱۳۶۵ به ۱/۸ فرزند در سال ۱۳۹۵ رسیده و بر اساس

آمار منتشره شده توسط سازمان ثبت احوال در سال ۱۳۹۹ این میزان به ۱/۶ فرزند تقلیل یافته است. کاهش میزان باروری در کشور باعث ایجاد تغییرات در ساختمان سنی جمعیت کشور شده، بطوریکه در سال ۱۳۶۵ بالغ بر ۴۶ درصد از جمعیت کشور کمتر از ۱۵ سال بودند و ایران دارای جمعیت جوان بود. در سال ۱۳۹۵ این رقم به حدود ۲۴ درصد رسیده است. در عوض درصد جمعیت ۶۴-۱۵ ساله، طی این سال‌ها از ۵۱ درصد به ۷۰ درصد رسیده و درصد جمعیت ۶۵ ساله ببالا از ۳ درصد به حدود ۷ درصد افزایش یافته است. کاهش میزان باروری کل، بتدریج باعث کاهش سهم جمعیت جوان و بالنده کشور خواهد شد. دوام میزان باروری در زیرسطح جایگزینی (کمتر از ۲/۱ فرزند برای هر زن)، موجب سالخوردگی جمعیت و سرعت بخشیدن به کاهش نیروی کار فعال می‌شود، که پیامدهای منفی جدی برای توسعه و پیشرفت کشور خواهد داشت (عرفانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۴۰).

در این مطالعه روند تحولات و مراحل گذار جمعیتی ایران از جوانی به سالخوردگی، در مقایسه با سایر کشورها، با استفاده از روش تحلیل ثانوی آمار و اطلاعات جمعیتی قاره‌های مختلف جهان و ایران، و روش اسنادی با مراجعه به مقالات علمی پژوهشی، بررسی شده و چستی، چرایی و چگونگی جوانی جمعیت مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌گیرد.

روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد کیفی و مروری انجام شده است. در گام نخست، با بهره‌گیری از روش مرور نظام‌مند، منابع علمی معتبر داخلی و بین‌المللی در حوزه جمعیت‌شناسی، به‌ویژه مطالعات مرتبط با باروری، ساختار سنی، گذار جمعیتی و جوانی جمعیت، گردآوری و تحلیل شده‌اند. داده‌های جمعیتی ایران و سایر کشورها از منابع آماری رسمی، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و مطالعات تجربی استخراج و به‌صورت تطبیقی بررسی گردیده است. در بخش کیفی، با تحلیل محتوای مقالات و اسناد علمی، مفاهیم کلیدی همچون افت باروری، تله باروری پایین، گذار جمعیتی دوم و تحولات ارزشی و نگرشی مرتبط با رفتارهای جمعیتی مورد واکاوی قرار گرفته است. این رویکرد کیفی امکان تفسیر عمیق‌تر پدیده‌ها و درک زمینه‌های اجتماعی،

فرهنگی و ارزشی تأثیرگذار بر تحولات جمعیتی را فراهم می‌سازد. همچنین، با تلفیق یافته‌های مطالعات پیشین و تحلیل ثانوی داده‌های جمعیتی، روندها و پیامدهای جوانی جمعیت و سرعت سالمندی در ایران در مقایسه با سایر کشورها تبیین شده است. این روش‌شناسی، ضمن بهره‌گیری از نقاط قوت رویکرد مروری و کیفی، زمینه تحلیل جامع‌تر و تفسیر دقیق‌تر ماهیت و ابعاد هستی‌شناختی جوانی جمعیت را فراهم می‌کند.

یافته‌ها

تعاریف و مفاهیم

الف - ولادت و باروری و میزان‌های مربوط به آنها

ولادت: ولادت خارج شدن یا خارج کردن کامل محصول انعقاد نطفه از مادر است. صرف‌نظر از طول دوره حاملگی، بصورتی که پس از این جدایی مولود نفس بکشد یا نشانه دیگری از حیات بروز دهد (شراپاک و سیگل، ۱۹۷۱: ۷۵ به نقل از سرائی ۱۳۹۰، ۴۳). از این تعریف پیداست که اضافه بر مواردی که کودک زنده متولد می‌شود و سال‌ها زندگی می‌کند، مولودی هم که پیش از ثبت ولادت و گرفتن شناسنامه می‌میرد و حتی یک شبانه‌روز هم زندگی نمی‌کند در زمره «ولادت» محسوب می‌شود. و طبق قوانین اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان، گزارش و ثبت وقوع هر نوع تولد زنده الزامی است.

میزان خام موالید ¹CBR: میزان خام موالید برابر است با تعداد نوزادان زنده متولد شده در یکسال در ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت. (آری‌اگا، ۱۳۷۸: ۲۲۹)

میزان باروری عمومی ^۲GFR: میزان باروری عمومی برابر است با تعداد تولدهای زنده در یکسال در ازای هر ۱۰۰۰ زن ۱۵ تا ۴۹ ساله.

میزان‌های باروری ویژه سنی ^۳ASFR: میزان‌های باروری ویژه سنی بر اساس تعداد موالید مربوط به مادران در یک سن با یک گروه سنی در یک سال نسبت به ۱۰۰۰ زن واقع در همان سن یا گروه سنی محاسبه می‌شود ((آری‌اگا، ۱۳۷۸: ۲۳۱).

میزان باروری کل ^۴TFR: این میزان برابر است با میانگین شمار فرزندان که هر زن تا پایان دوره باروری خود (اگر قرار باشد که در طول سال‌های فرزندآوری خود الگویی مطابق با میزان‌های باروری ویژه سنی یک سال معین داشته باشد) به دنیا خواهد آورد (هاپت، ۱۳۸۷:

¹. Crude Birth Rate

². General Fertility Rate

³. Age Specific Fertility Rate

⁴. Total Fertility Rate

باروری سطح جانشینی: باروری سطح جانشینی سطحی از باروری است که زنان در یک نسل مشابه، تعداد دخترانی کاملاً متناسب با تعداد خود برای جانشینی خودشان دارا هستند. این رقم برای هر زوج با توجه به وضعیت بازماندگی زوجین حدود $\frac{2}{1}$ تا $\frac{2}{5}$ فرزند است. زمانی که باروری به سطح جانشینی رسیده باشد. بتدریج تعداد موالید با تعداد مرگ‌ومیر برابر می‌شود و در صورت عدم وجود مهاجرپذیری و مهاجرفرستی، در نهایت رشد جمعیت متوقف شده و حالتی ایستا به خود می‌گیرد. زمان مورد نیاز برای این فرآیند، بسته به ساختار سنی جمعیت، متفاوت و متنوع می‌باشد (هاپت، ۱۳۸۷: ۳۱).

ب - مرگ و میر، امید زندگی و میزان‌های مربوط به آنها

مرگ: مرگ ناپدید شدن همه شواهد حیات یا توقف بی‌بازگشت وظایف و کارکردهای حیاتی در هر زمانی پس از وقوع ولادت است. (سرائی، ۱۳۹۰: ۷۶). در این تعریف دو نکته اساسی منظور شده است: ۱) مرگ ادامه زندگی است و ۲) مبدأ زندگی زمان ولادت است. بنابراین مرگ قبل از تولد یا «مرگ جنینی» مشمول تعریف «مرگ» نمی‌شود.

میزان خام مرگ‌ومیر^۱ (CDR): میزان خام مرگ‌ومیر برابر است با تعداد مرگ‌ها در یکسال در ازاء هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت

میزان مرگ‌ومیر اطفال^۲ (IMR): میزان مرگ‌ومیر اطفال (کودکان زیر یکسال) برابر است با تعداد مرگ‌های این گروه از کودکان در یکسال در ازاء هر ۱۰۰۰ تولد در همان سال. (هاپت، ۱۳۸۷: ۲۵).

امید زندگی در لحظه تولد^۳: امید زندگی در لحظه تولد برابر است با متوسط سال‌هایی که شخص در هنگام تولد انتظار دارد زندگی کند. این زندگی در هر لحظه از لحظات حیات فرد را «احتمال بقا^۴» یا توان زندگی می‌گویند.

عمر متوسط^۵: برابر است با تعداد متوسط سال‌هایی که هر فرد در جامعه و زمان خاصی زندگی می‌کند (کاظمی پور، ۱۳۸۸، ۱۰۴).

^۱ Crude Death Rate

^۲ Infant Mortality Rate

^۳ Life expectancy

^۴ Survival Probability

^۵ Life mean

پ- ساختار سنی جمعیت

توزیع جمعیت بر حسب سن را "ساختار سنی"، می‌گویند. در صورتیکه این توزیع کلیه سنین را به فاصله‌های یک ساله شامل شود، آن را «توزیع جمعیت در سنین منفرد»، می‌نامند. در مواردی که تعداد جمعیت بر اساس گروه‌های سنی ارائه شود به آن «توزیع جمعیت در گروه‌های سنی»، می‌گویند (لهسایی زاده، ۱۳۷۹: ۱۱). گروه‌های سنی معمولاً به سه صورت تنظیم می‌شوند، گروه‌های سنی پنجساله (۴-۰، ۹-۵ و...)، گروه‌های سنی دهساله (۹-۰، ۱۹-۱۰ و...) و گروه‌های سنی بزرگ، که در بسیاری از مطالعات جمعیتی از سه گروه سنی ۱۴-۰ ساله، ۶۴-۱۵ ساله و ۶۵ ساله و بیشتر استفاده می‌کنند. افراد واقع در گروه‌های سنی کمتر از ۱۵ سال و بیش از ۶۵ سال را غیر واقع در سن فعالیت (غیر فعال) و افراد واقع در سنین ۶۴-۱۵ ساله را واقع در سن فعالیت (فعال) می‌نامند (کاظمی پور، ۱۳۸۸: ۳۶).

جمعیت‌ها را از نظر ساختار سنی به سه گروه تقسیم می‌کنند:

۱- جمعیت جوان: زمانی که بیش از ۴۰ درصد از جمعیت در سنین کمتر از ۱۵ سال باشند، جمعیت جوان نامیده می‌شود

۲- جمعیت میانسال: زمانی که بیش از دوسوم از جمعیت در سنین ۶۴-۱۵ باشند، جمعیت میانسال است.

۳- جمعیت سالمند: زمانی که بیش از ۷ درصد از جمعیت در سنین بالاتر از ۶۵ سال باشند، جمعیت رو به سالمندی خواهد بود.

ت - هرم سنی جمعیت

برای نشان دادن ساختار سنی جمعیت در یک زمان مشخص، نموداری رسم می‌کنند که "هرم سنی جمعیت"، نامیده می‌شود. این هرم سنی دارای دو محور است، محور عمودی که سنین جمعیت از صفر تا بالاترین سن را نشان می‌دهد و محور افقی که در آن تعداد جمعیت (بر مبنای ۱۰۰، ۱۰۰۰، ۱۰۰۰۰ و...)، هر سن یا هر گروه سنی قرار می‌گیرد. معمولاً مردان در یک طرف و زنان در طرف دیگر هرم نشان داده می‌شوند. (لهسایی زاده، ۱۳۷۹: ۱۱). با مطالعه هرم‌های سنی جوامع مختلف، مشاهده می‌گردد که یک رابطه تجربی بین رشد جمعیت و ساخت سنی جمعیت وجود دارد. معمولاً پهن بودن قاعده هرم نشان دهنده نسبت بالای کودکان، رشد سریع جمعیت و نسبت پائینی از جمعیت سالخورده‌گان است. این ویژگی عام جمعیت کشورهای در حال توسعه است، که یک شکل مثلی برای هرم بوجود می‌آورد. کاهش میزان‌های موالید و مرگ‌ومیر در یک کشور برای یک دوره طولانی‌تر منجر می‌شود که هرم به

شکل مستطیل درآید. افزایش در موالید نیز به صورت خاصی در شکل هرم منعکس می‌شود. در این صورت قاعده هرم ممکن است پهن‌تر گردد (سیرینی واسان، ۱۳۸۴: ۷۵).

هر هرم سنی جمعیتی اساساً تصویری بصری از تجزیه و تحلیل جمعیت فعلی یک کشور است که با نوسان نرخ تولد و مرگومیر و همچنین تغییر در سیاست‌های مهاجرت و شرایط اجتماعی آن شکل می‌گیرد. هرم سنی جمعیت، یکی از بهترین راه‌ها برای تجسم داده‌های جمعیتی است و مقایسه هرم جمعیت کشورها و مناطق مختلف در کنار هم می‌تواند دیدگاه‌ها و تفاوت‌های غیرمنتظره‌ای را بین گروه‌ها آشکار کند. این اینفوگرافیک از داده‌های جمعیت سازمان ملل برای مقایسه جمعیت‌شناسی برخی از کشورها و مناطق منتخب جهان استفاده می‌کند و نشان می‌دهد که توزیع سنی چقدر می‌تواند متفاوت باشد.

اگرچه هرم‌های جمعیتی می‌توانند در اشکال و اندازه‌های مختلف باشند، اغلب به سه دسته مجزا تقسیم می‌شوند:

- ۱- هرم گسترده یا فزاینده^۱: که به همان شکل سنتی هرم، که قاعده آن پهن و در امتداد رأس باریک می‌شوند، جمعیتی با نرخ زاد و ولد بالا همراه با نرخ مرگومیر بالا را نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه بیشتر دیده می‌شود.
- ۲- هرم انقباضی یا کاهنده^۲: با قاعده باریک و بخش‌های میانی و بالای هرم ضخیم‌تر، این هرم اغلب در اقتصادهای توسعه یافته‌ای که جمعیت آن‌ها نرخ تولد پایین و امید زندگی طولانی دارند، رخ می‌دهد.
- ۳- هرم ثابت^۳: تعداد جمعیت در این هرم، جمعیتی به طور مساوی در بین گروه‌های سنی توزیع شده‌اند که اغلب در کشورهای تازه توسعه یافته‌ای یافت می‌شود که نرخ تولد و مرگومیر ثابتی دارند.

مبانی نظری

به گمان بسیاری از محققان، افت باروری و توقف آن در زیر سطح جانشینی، یکی از مهم‌ترین علل کاهش سهم جمعیت جوان و سالخورده شدن جمعیت است. برخی از محققان از این افت مداوم باروری تحت عنوان "تله باروری پایین" یاد می‌کنند، اما آنچه که باعث تداوم تله باروری پایین و در نتیجه افزایش سرعت سالمندی یک جمعیت است، تحولات بنیادینی می‌باشد که

^۱. Expansive Pyramids

^۲. Constrictive Pyramids

^۳. Stationary Pyramids

در حوزه نظام ارزشی و بینشی جوامع مختلف بوجود می‌آید. ون. دی. کا^۱ از این تغییر تحت عنوان "گذار جمعیتی دوم"، یاد می‌کند و به تعبیر اینگلههارت^۲، این جوامع در مرحله ارزش‌های فرامادی قرار گرفته‌اند.

نظریه گذار جمعیتی

از گذشته تاکنون، میزان‌های باروری و مرگ‌ومیر در جوامع مختلف، فراز و نشیب‌های متفاوت و زیادی داشته است. یکی از نظریه‌هایی که توسط جمعیت‌شناسان، پیرامون روند تحولات باروری و مرگ‌ومیر ارائه شده، "نظریه گذار جمعیتی" می‌باشد. جمعیت‌شناسان برای این نظریه مراحل نیز برشمرده‌اند.

در مرحله نخست، میزان‌های موالید و مرگ‌ومیر در سطح بالایی قرار دارند و به تبع آن، میزان رشد طبیعی جمعیت اندک است. از ویژگی‌های این مرحله این است که ساختار سنی جمعیت بسیار جوان و قابلیت تولید و پس‌انداز اقتصادی، بسیار پایین است.

مرحله دوم، با کاهش اساسی در میزان‌های مرگ‌ومیر آغاز می‌شود. در این مرحله، به تدریج میزان‌های مرگ‌ومیر به‌ویژه مرگ‌ومیر نوزادان و کودکان، کاهش یافته اما میزان‌های باروری همچنان در سطح بالایی قرار دارد، لذا رشد طبیعی جمعیت افزایش پیدا می‌کند. بنابراین، جامعه‌ای که در این مرحله قرار دارد، شاهد افزایش‌های اساسی در حجم جمعیت ملی خواهد بود. این مرحله را می‌توان مرحله «انفجاری جمعیت» نامید (زلینسکی، ۱۹۷۹).

بعد از افت اساسی میزان‌های مرگ‌ومیر، با تأخیری نسبتاً طولانی، میزان باروری نیز رو به کاهش می‌گذارد (مرحله سوم). بنابراین، شکل هرم سنی جمعیت کاملاً دگرگون می‌شود. این فرآیند موجب پیدایش نوعی حالت برآمدگی و تورم در تعداد و حجم جمعیت در سنین جوانی و میانسالی می‌شود. با سرعت یافتن کاهش باروری، به تدریج شکل سنتی هرم سنی که عموماً مثلی شکل است، تغییر می‌کند و پایه‌های هرم سنی کوچک‌تر می‌شود و شکل تحدب و برآمدگی هرم سنی در سنین میانی تکمیل خواهد شد. بنابراین، ادامه این گذار، همراه با تغییرات تدریجی ساختمان سنی جمعیت است. نتیجه بالا بودن سطح باروری و افت اساسی آن در یک دوره نسبتاً بلندمدت، افزایش درصد جمعیت در سن کار و کاهش درصد جمعیت زیر ۱۵ سال (جمعیت مصرف‌کننده) است. برخی از جمعیت‌شناسان از این مرحله تحت عنوان «فرصت جمعیتی» یاد می‌کنند، که مهم‌ترین مشخصه این دوران، افزایش جمعیت در سن کار

^۱. Van De kaa

^۲. Inglehart

است. در واقع، فرصت جمعیتی وقتی رخ می‌دهد که افزایش جمعیت در سنین کار با کاهش جمعیت در سنین وابستگی (زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال) توأم می‌گردد.

تصور بر این بود که پس از عبور از دوران گذار جمعیتی، باروری و مرگومیر در سطح پایینی متعادل می‌شود، و در نهایت، جمعیت به سوی ایستایی میل می‌کند، یعنی حجم جمعیت و ترکیب سنی جمعیت هم ایستا می‌شو (لستهاق^۱، ۱۹۹۵)، اما تجربه تحولات جمعیتی کشورهای صنعتی در سه دهه گذشته نشان داده که پس از پایان این گذار جمعیتی، نه تنها تعادل پایداری در زمینه میزان‌های باروری و مرگومیر صورت نمی‌گیرد، بلکه باروری زیر سطح جانشینی و سالمندی جمعیت، جوامع را در معرض چالش‌های نوظهوری قرار می‌دهد. لذا برخی از جمعیت‌شناسان معاصر، معتقدند که این مراحل، روایت کلاسیک از گذار جمعیتی است و درباره تحولات جمعیتی و اجتماعی بعد از این گذار، سخنی به میان نیامده است، بنابراین آنها تلاش نمودند، وضعیت جدید جمعیتی جوامع توسعه‌یافته را در قالب «نظریه گذار جمعیتی دوم» تشریح و تحلیل کنند.

نظریه گذار جمعیتی دوم، که توسط جمعیت‌شناسان معاصر از جمله لستهاق (۱۹۹۵) و ون دی کا (۲۰۰۱) مطرح شده است، تصویر نسبتاً روشنی از تغییرات جمعیتی در جوامع پسامدرن را ارائه می‌دهد. ون دی کا در بیان تفاوت گذار جمعیتی اول و دوم می‌گوید: اگر کاهش مداوم مرگ و میر، مشخصه اصلی گذار جمعیتی اول، جوامع است، باروری زیر سطح جانشینی^۲ مشخصه اصلی گذار جمعیتی دوم است. در این مرحله، رشد طبیعی جمعیت به دلیل فزونی گرفتن میزان مرگومیر بر میزان موالید منفی می‌شود و حجم جمعیتی جوامع رو به کاهش می‌گذارد.

از دیگر ویژگی‌های گذار جمعیتی دوم، افزایش میانگین سنی و سالمندی جمعیت است. کاهش مداوم باروری، همراه با افزایش امید زندگی، افزایش جمعیت سالمندان را به دنبال دارد. این فرآیند در جوامعی که گذار جمعیتی را زودتر آغاز کرده‌اند، با سرعت بیشتری رخ می‌دهد. برخی از جمعیت‌شناسان از این مرحله تحت عنوان «انفجار عمودی سالمندان»^۳ و معکوس شدن هرم سنی نیز یاد می‌کنند. در صورتی که افت اساسی باروری در بلندمدت استمرار یابد، جمعیت‌های سالمند، بدون پشتوانه حمایت نسلی خواهند ماند، اما اگر باروری در سطح مطلوبی باشد، نه تنها حمایت‌های بین نسلی خانوادگی، تقویت خواهد شد، بلکه فشار اقتصادی کمتری

^۱. Lesthaeghe

^۲. میزان باروری کل کمتر از ۲/۱ بچه برای هر زن

بر بخش‌های تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی وارد خواهد آمد (ویل، ۲۰۰۶).

برخی نظریه پردازان، تحولات و گذار جمعیتی جوامع را بی‌ارتباط با تحولات فرهنگی و نگرشی آنها ندانسته و معتقدند که تحولاتی که به مرور در عرصه فرهنگی و نگرشی کشورها و جوامع رخ می‌دهد، می‌تواند روند گذار جمعیتی آنها را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

ون دی کا (۲۰۰۲) با تأکید بیشتر بر تحولات فرهنگی و نگرشی در تکوین گذار جمعیتی دوم، می‌گوید: «من با دانشمندانی که در جست و جو برای تبیین روندهای جمعیتی مشاهده شده، پس از اواسط دهه ۱۹۶۰، به تغییر جهت ساختاری اشاره می‌کنند، مخالفتی ندارم. ولی احساس می‌کنم در ذهن مردم [اروپای غربی و شمالی] چیزهایی فراتر از توجه به نیازهای اقتصادی، درآمد و منابع مادی وجود دارد. به نظر من، آنچه تعیین‌کننده است، این است که مردم در زندگی دنبال چه چیزی هستند؟ وضعیت نهایی مطلوب‌شان چیست؟ خودشان را به عنوان یک انسان چگونه می‌بینند. بنابراین، در جستجوی تبیین گذار جمعیتی دوم، ترجیح می‌دهم بر جهت‌گیری‌هایی تأکید کنم که ممکن است ما را به فهم بهتر انتخاب‌های جمعیتی و درنتیجه، انتخاب‌های زندگی‌ساز رهنمون شوند». ون دی کا اشاره می‌کند که گذار جمعیتی اول و دوم نه تنها مبتنی بر دو مدل مختلف جامعه، بلکه مبتنی بر دو مدل مختلف خانواده هستند.

مدل «خانواده بورژوا» که در پس اولین گذار جمعیتی قرار داشت، ظاهراً جایش را [در گذار جمعیتی دوم] به مدل «خانواده فردگرایانه» داده است. در واقع، در حالی که در طول گذار جمعیتی اول، خانواده به صورت نهادی نیرومند ظاهر می‌شود، تضعیف خانواده، نماد گذار جمعیتی دوم تلقی می‌شود (سرایبی، ۱۳۸۷).

نظریه نظام ارزشی اینگلهارت

بیش از دو دهه پیش، رونالد اینگلهارت (۱۹۸۹) نظریه‌ای درباره دگرگونی ارزشی مطرح کرد. او پیش‌بینی می‌کرد، ارجحیت‌های ارزشی^۱ در جوامع پیشرفته صنعتی، میل به دگرگونی از ارزش‌های مادی‌گرایانه معطوف به امنیت جسمی و اقتصادی به سوی تأکید بیشتر بر آزادی، خودبیانگری^۲ و کیفیت زندگی، یا ارزش‌های فرامادی‌گرایانه می‌باشد. او با بحث در این باره که تفاوت‌های بین تربیت اجتماعی شکل دهنده^۳ شخصیت اروپایی‌های جوان با مسن‌ترهانشان، نسل‌های تازه تولد یافته را به سوی ارزش دادن به سطوح نسبتاً بیشتر آزادی و خودبیانگری

1. Value Priorities

2. Self-Expression

3. Formative Socialization

هدایت کرده است، اظهار می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل مسن‌تر با نسل جوان تحولی در جهت ارجحیت‌های ارزشی جدید به بار خواهد آورد. در واقع نظریه دگرگونی جدید ارزشی اینگلهارت، جابجایی از اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های فرامادی را به طور بالقوه، فرایندی جهانی می‌داند؛ یعنی هر کشوری که از شرایط ناامنی اقتصادی به سوی امنیت نسبی حرکت می‌کند، الزاماً این فرایند در آن روی می‌دهد. این امر به روشنی نشانگر رابطه میان توسعه اقتصادی و دگرگونی ارزشی است.

اینگلهارت به منظور تبیین این تحول، دو فرضیه پیش‌بینی‌کننده دگرگونی ارزشی را مطرح می‌کند:

۱- فرضیه کمیایی، که در آن اولویت‌های فرد، بازتاب محیط اجتماعی- اقتصادی‌اش است؛ به نحوی که شخص بیشترین ارزش ذهنی را برای آن چیزهایی قائل است که عرضه آن نسبتاً کم است.

۲- فرضیه اجتماعی شدن، که در آن ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده، منعکس‌کننده شرایط و فرایند جامعه‌پذیری وی است که در سال‌های قبل از بلوغ، تجربه کرده است. از دید اینگلهارت، فرضیه کمیایی به دگرگونی‌های کوتاه مدت و فرضیه اجتماعی شدن بر آثار بلند مدت نسلی اشاره دارد. این دو فرضیه با هم مجموعه به هم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند. در حالی که فرضیه کمیایی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی می‌انجامد، فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که نه ارزش‌های فردی و نه ارزش‌های یک جامعه به طور کلی یک شبه تغییر نمی‌کند، بلکه دگرگونی اساسی ارزش‌ها به تدریج و بیشتر به طرزی نامرئی روی می‌دهد. این دگرگونی در مقیاس وسیع، وقتی پدید می‌آید که یک نسل جوان‌تر جایگزین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسالان یک جامعه می‌شود. همچنین پس از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی، انتظار می‌رود، بین اولویت‌های ارزشی گروه‌های بزرگ‌تر و جوان‌تر، تفاوت‌های محسوسی حاصل شود. از دید وی، جوانان به مراتب بیشتر از بزرگ‌ترها، بر خواسته‌های فرامادی تأکید می‌ورزند و تحلیل گروه‌های سنی مبین این است که این موضوع به مراتب بیشتر بازتاب دگرگونی نسل‌هاست تا انعکاس آثار سالخوردگی (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

تحولات ساختار سنی جمعیت

سن مهم‌ترین متغیر در تحلیل‌های جمعیت‌شناختی است. در یک جمعیت، معدل سنی توزیع

جمعیت بر حسب سن، میانگین سنی نامیده می‌شود. سن جمعیت بر عکس سن فرد، در طول زمان می‌تواند افزایش یا کاهش یابد. به نظر می‌رسد که بین فرایند جمعیتی و ساخت سنی یک جمعیت وابستگی متقابل وجود دارد.

ساخت سنی جمعیت در یک نقطه از زمان، نتیجه فرایندهای جمعیتی موالید، مرگ و مهاجرت در گذشته است. همچنین ساخت سنی جمعیت در حال حاضر، می‌تواند روند آینده وقایع جمعیتی را تحت تأثیر قرار دهد (سیرینی واسان، ۱۳۸۴: ۴۷).

تغییر در تعداد موالید، ابتدا بر روی گروه سنی کودکان تأثیر می‌گذارد. پس از گذشت چندین سال، این تأثیر را می‌توان در گروه‌های سنی بالاتر نیز مشاهده کرد. در کل، کاهش تعداد موالید بر جمعیت کودکان اثر کاهنده دارد. اگر کاهش موالید، بسیار سریع باشد، اثر آن بر ساخت سنی جمعیت کاملاً مشهود خواهد بود. کاهش در سطح مرگ‌ومیر نوزادان نیز، نتایج مشابهی به مانند افزایش در تعداد موالید بر ساختار سنی جمعیت دارد. به طوری که ابتدا بر سال‌های اولیه زندگی تأثیر گذارده و سپس به سوی سنین بالاتر کشیده خواهد شد. تأثیر تغییرات سطح مرگ‌ومیر بر ساختار سنی جمعیت در هر دو دسته از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نسبت به تغییرات در سطح موالید عموماً کمتر است. مهاجرت نیز می‌تواند انحراف بزرگی در ساختار سنی ایجاد نماید، زیرا این پدیده در سنین خاصی (عمدتاً جوانان) روی می‌دهد. بنابراین، ساخت سنی یک جمعیت، تا حد زیادی به موالید و به نسبت کمتر به مرگ‌ها و مهاجرت‌ها وابسته است. معمولاً فکر می‌کنیم که یک جمعیت زمانی پیرتر خواهد شد که مردم عمر طولانی‌تری داشته باشند، در حالی که زمانی چنین خواهد بود که باروری کاهش یافته و منجر به موالید اندکی گردد. در این صورت است که جمعیت شروع به پیر شدن می‌کند (سیرینی واسان، ۱۳۸۴: ۴۸).

جمعیت کشورها بطور قابل توجهی در نتیجه الگوهای گذشته و کنونی باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت، از هم متفاوتند. با این حال همه آنها به نوعی در درون سه قالب کلی از ترکیب سنی و جنسی قرار می‌گیرند:

۱- رشد سریع جمعیت: با هرم سنی که دارای درصد بالایی از جمعیت در سنین جوانتر است نشان داده می‌شود.

۲- رشد کند جمعیت: با هرم سنی که دارای نسبت کوچکتری از جمعیت در سنین جوانی است، نشان داده می‌شود.

۳- کاهش رشد یا رشد صفر جمعیت: این نوع جمعیت در هرمی نشان داده می‌شوند که شمار برابری افراد در همه سنین آن وجود دارند و در سنین بالاتر اندک اندک باریک‌تر می‌شود (هاپت و تی کین، ۱۳۹۶: ۲۴).

ساختار سنی جمعیت وقایع جمعیتی آینده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. سن همچنین متغیر مهمی در تعیین اندازه جمعیت در سن تحصیل، نیروی انسانی، جمعیت رأی دهنده، زنان در سن باروری، نیروی نظامی، سالخوردگان نیازمند مستمری یا سایر کمکهای دوران پیری است (سرینی واسان، ۱۳۸۴: ۴۹).

تحولات گذار سنی جمعیت، در نمودارهای زیر به خوبی مشهود است. چنانکه ملاحظه می‌شود، کشورهای آفریقایی به دلیل بالا بودن میزان باروری، دارای جمعیت جوان هستند. در کشور هند میزان باروری سیر کاهنده پیدا کرده و سهم جوانان بیشتر است. در کشور چین نیز سهم جمعیت میانسال بیش از سایر گروه‌ها است. جمعیت آمریکا رو به سالمندی بوده و جمعیت ژاپن و کشورهای اروپایی سالمند هستند و شدت سالمندی در ژاپن بیشتر است.

گذار سنی جمعیت

گذار سنی نشان دهنده تغییرات جمعیتی بسیار جوان، که در آن تعداد افراد مذکر کمی بیشتر از افراد مؤنث است، به جمعیتی مسن‌تر، که در آن تعداد افراد مؤنث بیشتر از افراد مذکر است، می‌گویند. در این میان، فراز و فرودهای ساختار سنی و جنسی به نیروهای قدرتمندی برای تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تبدیل می‌شوند. به طورکل ساختار سنی و جنسی از تعامل میان باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت بوجود می‌آید و می‌توان آنرا کلیدی برای فهم زندگی یک گروه اجتماعی (سند پیشینه تاریخی و پیش آگهی آینده آنها) در نظر گرفت (ویکس، ۱۳۹۵: ۳۳۸).

عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر گذار سنی

در اکثر طول تاریخ بشر، جمعیت‌ها جوان بوده‌اند. نسبت بالایی از آنها در گروه‌های سنی جوانتر، تعدادی میانسال و تعداد بسیار کمی مسن بودند. رسیدن به سنین بالاتر به راستی موقعیتی استثنایی محسوب می‌شد. اما گذار جمعیتی، همه اینها را از راه‌های پیچیده ولی قابل فهم تغییر داده است. در پایان گذار جمعیتی (اگر چنین چیزی به راستی اتفاق بیفتد و در وضعیت آرمانی)، جمعیتی خواهیم داشت با تعداد مساوی از افراد در هر سن. تا اینکه در سنین پیری مردم تقریباً به سرعت می‌میرند (ویکس، ۱۳۹۵: ۳۴۸). مهم‌ترین عوامل مؤثر بر گذار

سنی جمعیت‌ها کاهش مرگ‌ومیر و افزایش یا کاهش موالید است.

۱- کاهش میرایی

کاهش مرگ در هر دو جنس و همه سنین تأثیر می‌گذارد. اما در تقریباً همه جوامع، جوان‌ترین و پیرترین مردم، آسیب پذیرترین اقشار در برابر مرگ هستند. در جوامع توسعه یافته (جایی که میزان مرگ ناشی از بارداری و زایمان نسبتاً پایین است)، احتمال مرگ مردان، در همه سنین، بیش از زنان است. کاهش مرگ باعث افزایش نسبت افراد سنین پایین در جمعیت می‌شود (ویکس، ۱۳۹۵: ۳۵۱). به موازات افت میرایی بدون تغییر باروری، ساختار سنی جمعیت در نتیجه افزایش بقای کودکان حتی هرمی‌تر از پیش می‌شود. یعنی رشد جمعیت جوانتر، سریع‌تر از رشد جمعیت سنین بالاتر است. در واقع به موازات کاهش میرایی میانگین سنی جمعیت از ۲۵/۵ به ۲۱/۸ سال افت می‌کند.

۲- افزایش یا کاهش باروری

تغییرات باروری، چشمگیرترین تأثیر بلند مدت را در ساختار سنی جمعیت می‌گذارد. (مهاجرت بیشتر تأثیر کوتاه مدت دارد). افزایش باروری در ابتدا، باعث افزایش تعداد انسان‌ها در سن صفر می‌شود. اما این تأثیر در جمعیت از یک سن به سن بعد، باقی می‌ماند. بنابراین اگر میزان تولد در یک سال، ناگهان افت پیدا کند، تعداد این گروه همیشه، کمتر از افراد سنین حول و حوش خودش است. در عوض اگر باروری افزایش یابد، تعداد افراد در هریک از هم گروه‌های متوالی بیشتر خواهد شد (ویکس، ۱۳۹۵: ۳۵۶). به طور کلی، تأثیر سطوح باروری بر ساختار سنی جمعیت به اندازه‌ای مهم است که اگر میزان مرگ را ثابت بگیریم، تغییر سطح باروری، به تنهایی می‌تواند، طیفی از ساختار سنی ایجاد کند که یک سر آن، ویژگی‌های جمعیتی جوامع بدوی و سر دیگر آن، ویژگی‌های جمعیتی جوامع بسیار پیشرفته را داشته باشد.

پویایی ساختار سنی و جنسی، تغییرات جمعیتی را به نیرویی مبدل می‌کند که باید آنرا به حساب آورد. میزان باروری بالا تنها به معنای تعداد افراد بیشتر نیست، بلکه بدین معناست که در عرض چند سال، تعداد کودکانی که وارد مدرسه می‌شوند و ۱۸ سال بعد، تعداد جویندگان کار و ورودی دانشگاه‌ها، بیشتر خواهد بود. سرازیر شدن مهاجران بزرگسال جوان امروز به معنی افزایش بیش از حد تعداد افراد مسن‌تر ۳۰ تا ۴۰ سال پس از آن است. همچنین میزان‌های موالید پایین تنها به معنای تعداد افراد کمتر در آینده نیست، بلکه معنای آن، بسته شدن

تعدادی از مدارس، تعطیلی کسب و کار، وجود خانه‌های خالی از ساکنان و زندگی بسیار متفاوت با قبل است (ویکس، ۱۳۹۵: ۳۶۱).

تحولات باروری در جهان

در گذشته تاریخ، در تمام کشورهای دنیا، میزان‌های مولید و مرگ‌ومیر هر دو در سطح حداکثر طبیعی (به ترتیب حدود ۴۰ و ۳۵ در هزار) بوده و جمعیت به کندی افزایش می‌یافت. از اواسط قرن هفدهم و به دنبال توسعه امکانات بهداشتی درمانی، میزان مرگ‌ومیر، ابتدا در کشورهای توسعه‌یافته و سپس در کشورهای در حال توسعه سیرکاهنده به خود گرفت، به طوریکه در بسیاری از کشورها به رقم کمتر از ۳ تا ۴ در هزار رسید و رشد جمعیت رو به فزونی گذاشت (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۸۱).

اکثر کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی، مراحل چهارگانه انتقالی جمعیتی را سپری کرده و در مرحله پنجم قرار دارند، ولی در بین کشورهای در حال توسعه، نوسانات بسیار وسیع است، بطوریکه برخی از آنها تا مرحله چهارم نیز رسیده‌اند و برخی دیگر در مرحله دوم و یا سوم قرار دارند و کشورهای توسعه‌نیافته هنوز در مرحله اول انتقال جمعیتی بسر می‌برند.

مکس روسر^۱ (۲۰۱۷) می‌نویسد: متوسط نرخ باروری در جهان امروز کمتر از ۲.۵ فرزند برای هر زن است. در طول ۵۰ سال گذشته، نرخ باروری جهانی به نصف کاهش یافته است. و در طول نوسازی جوامع، تعداد فرزندان به ازای هر زن، بسیار کاهش می‌یابد. در دوران پیشامدرن، نرخ باروری ۴.۵ تا ۷ فرزند به ازای هر زن، رایج بود. در آن زمان مرگ‌ومیر بسیار بالا در سنین جوانی، رشد جمعیت را پایین نگه می‌داشت. همانطور که سلامت بهبود می‌یابد و از میزان مرگ‌ومیر در جمعیت کاسته می‌شود، ما معمولاً شاهد رشد سریع جمعیت بودیم. این رشد سریع جمعیت با کاهش نرخ باروری و نزدیک شدن به ۲ فرزند در هر زن، به پایان می‌رسد. سه دلیل عمده کاهش باروری عبارتند از: توانمندسازی زنان (افزایش دسترسی به آموزش و افزایش مشارکت در بازار کار)، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، و افزایش هزینه پرورش فرزندان (که کاهش کار کودکان به آن کمک کرده است)،

در نتیجه، انتقال بزرگ جمعیت جهانی که جهان بیش از دو قرن پیش وارد آن شد، در حال پایان است. این تعادل جدید با تعادل درگذشته متفاوت است، زمانی مرگ‌ومیر بسیار بالا بود و رشد جمعیت را کنترل می‌کرد. در تراز جدید، باروری پایین است که رشد جمعیت را در

1. Max Roser

سطح اندک نگه می‌دارد.

جدول ۱ روند تحولات میزان باروری کل (میانگین تعداد کل فرزندان هر زن) را در مناطق و قاره‌های مختلف جهان نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ میلادی، میزان باروری کل در جهان بالغ بر ۵ فرزند بود که در میان قاره‌های مختلف، از حداکثر ۶.۷ فرزند (قاره آفریقا)، تا حداقل ۲.۵۷ فرزند (قاره اروپا)، نوسان داشته است. ۳۰ سال بعد، یعنی در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ میلادی، میزان باروری کل در جهان کاهش یافته و به ۳ فرزند رسیده است. این کاهش در مناطق در حال توسعه بیشتر مشهود است. به طوریکه تعداد کل فرزندان از ۶.۱۳ فرزند در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ میلادی به ۳.۳۴ فرزند رسیده است. ولی در مناطق کمتر توسعه‌یافته میزان کاهش باروری کمتر است. بعد از ۲۵ سال یعنی در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۵ میزان باروری کل، همچنان با کاهش همراه است، ولی به دلیل کم شدن تعداد فرزندان، رقم کاهش فقط در حد ۰.۵۴ فرزند است. در این دوره، میزان باروری کل زنان در اروپا و آمریکای شمالی کمتر از سطح جایگزینی (حدود ۲.۱ فرزند)، بوده، در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، آسیا و اقیانوسیه کمی بیش از سطح جایگزینی است و فقط در آفریقا برابر ۴ فرزند می‌باشد که نسبت به دوره‌های قبل با کاهش همراه است.

در دوره اول (۶۵-۱۹۶۰) فقط در ۳ کشور از ۱۸۹ کشور جهان، میزان باروری کل زنان، کمتر از سطح جایگزینی بود. که در دوره دوم و سوم (۹۵-۱۹۹۰ و ۲۰۲۰-۲۰۱۵)، این رقم به ترتیب به ۴۳ و ۸۰ کشور رسیده است و همچنان رو به افزایش می‌باشد. چنانکه در فوق اشاره شد، فقط کشورهای با باروری بالا، دارای جمعیت جوان هستند. لذا با کاهش میزان باروری، بتدریج از تعداد کشورهای دارای جمعیت جوان کاسته می‌گردد.

جدول ۱. تحولات میزان باروری کل در مناطق مختلف جهان طی سال‌های ۱۹۶۰-۲۰۲۰

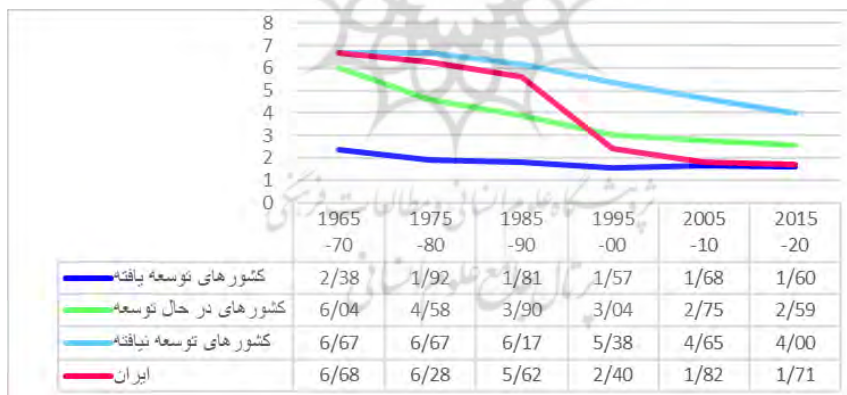
مناطق و قاره‌ها	سال (میلادی)		
	2015-20	2005-10	1960-65
جهان	47.2	58.2	02.5
مناطق بیشتر توسعه یافته	64.1	68.1	66.2
مناطق کمتر توسعه یافته	59.2	75.2	13.6
مناطق بسیار کم توسعه یافته	00.4	65.4	70.6
سایر مناطق کم توسعه یافته	33.2	46.2	05.6
آفریقا	44.4	90.4	70.6
آسیا	15.2	33.2	80.5

اروپا	57.2	56.1	61.1
آمریکای لاتین و کارائیب	83.5	26.2	04.2
آمریکای شمالی	28.3	01.2	75.1
اقیانوسیه	97.3	54.2	36.2

مأخذ:

World Population Prospects, (2019). United Nations Population Division,
Department of Economic and Social Affairs

نمودار ۲، روند تحولات میزان باروری کل زنان در سه منطقه توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته جهان طی سال‌های ۱۹۶۵ تا ۲۰۲۰ را نشان می‌دهد. در ضمن به منظور مقایسه، روند تحولات میزان باروری کل زنان در ایران نیز در این نمودار ارائه شده است. چنانکه در نمودار ملاحظه می‌شود میزان باروری کل در مناطق توسعه‌یافته در این دوره ۵۰ ساله، تغییر چندانی نکرده و در سطح جایگزینی بوده است، در کشورهای در حال توسعه از حدود ۶ فرزند به ۲.۵ فرزند کاهش یافته و در کشورهای توسعه‌نیافته از ۶.۷ فرزند به ۴ فرزند رسیده است. میزان باروری کل در ایران در سال‌های ۷۰-۱۹۶۵ میلادی، در حد مناطق توسعه‌نیافته بوده (که عملاً دارای جمعیت جوان بوده است)، و طی این دوره با کاهش شدیدی که پیدا کرده در سال ۲۰۲۰ به سطح مناطق توسعه‌یافته رسیده است.



نمودار ۲. روند تحولات میزان باروری کل در مناطق مختلف جهان و ایران در سال‌های ۱۹۶۵ الی ۲۰۲۰ میلادی

چنان که گزارش دفتر جمعیت سازمان ملل (۲۰۱۹)، بیان می‌کند، ما شاهد همگرایی در نرخ باروری هستیم، در حالی که بسیاری از کشورهایی که در سال‌های ۱۹۵۰ بالاترین نرخ باروری را داشتند، شاهد کاهش سریع تعداد فرزندان به ازای هر زن هستند. برای مثال در ایران، نرخ باروری در سال ۱۹۸۵ میلادی، ۶/۲ فرزند برای هر زن بود. امروزه

زنان در ایران نسبت به ایالات متحده آمریکا، انگلیس یا سوئد، فرزندان کمتری دارند (۱/۷) فرزند برای هر زن). در تایلند، نرخ باروری کل در سال ۱۹۵۰ میلادی، ۶.۱ فرزند بوده، در سال ۱۹۸۵ میلادی، برابر ۶/۲ فرزند و امروز مساوی ۱/۵ فرزند برای هر زن است. و سازمان ملل انتظار دارد باروری جهانی در بیشتر کشورها کاهش بیشتری پیدا کند.

تحولات جمعیت و باروری در ایران

دسترسی به اطلاعات دقیق و معتبر درباره پیشینه تاریخی جمعیت ایران، کاری بسیار مشکل و در مواردی غیر ممکن است. مطالعه‌ی اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد، تا سال ۱۳۳۵ هجری شمسی (سال اولین سرشماری عمومی نفوس)، اطلاع دقیقی از جمعیت ایران وجود ندارد، به همین دلیل بسیاری از محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی، جمعیت گذشته ایران را با استفاده از نتایج سرشماری ۱۳۳۵ به بعد و سایر مدارک و اسناد تاریخی، گذشته‌نگری کرده‌اند (فتحی، ۱۳۹۹: ۳).

آمارها و اطلاعات موجود بیانگر آن است که جمعیت ایران در آستانه قرن ۱۴ هجری شمسی، حدود ۱۰ میلیون نفر بوده است، در سرشماری ۱۳۳۵ جمعیت کشور ۱۸/۹ میلیون نفر و در سرشماری دوم (۱۳۴۵) جمعیت کشور با رشد حدود ۳ درصد در سال به ۲۵ میلیون نفر رسید. افزایش جمعیت ایران همچنان ادامه داشته و در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵)، جمعیت کشور به حدود ۸۰ میلیون نفر رسید، بر این اساس تعداد جمعیت ایران در کمتر از یک قرن، ۸ برابر شده است، و بالاخره در سال ۱۴۰۰، جمعیت کشور به ۸۴ میلیون نفر رسیده است. جدول ۲ و نمودار ۳ روند تحولات جمعیت کشور و درصد رشد سالانه جمعیت ایران را طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۴۰۰ هجری شمسی نشان می‌دهد (کاظمی پور، ۱۳۸۸: ۱۲).

جدول ۲: تعداد جمعیت ایران و درصد رشد سالانه آن در سال‌های ۱۳۳۵ الی ۱۴۰۰ هجری شمسی

سال (هجری شمسی)	جمعیت	دوره	درصد رشد سالانه
1335	18954704		
1345	25788722	1335-45	13.3
1355	33708744	1345-55	71.2
1365	49445010	1355-65	91.3
1375	60055488	1365-75	96.1
1385	70495782	1375-85	62.1
1390	75149669	1385-90	29.1
1395	79926270	1390-95	24.1

01.1

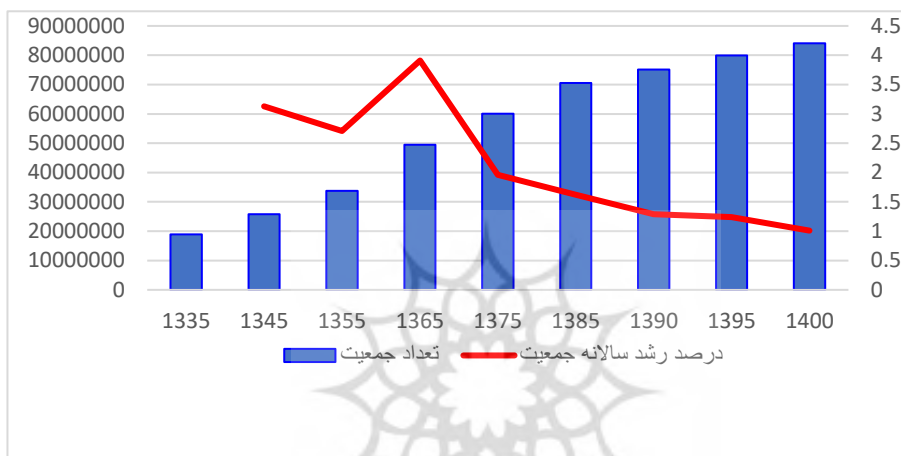
1395-00

84055000

1400

مأخذ: فتنی، ۱۳۹۹: ۴ و برآورد ۱۴۰۰ مرکز آمار ایران

درصد رشد سالانه جمعیت ایران از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۵ با کاهش همراه بوده، پس از انقلاب اسلامی به دلیل افزایش میزان باروری کل زنان، مجدداً رشد سالانه جمعیت کشور افزایش یافت، ولی از سال ۱۳۶۵ سیر کاهنده خود را آغاز کرد و از رقم ۳/۴ درصد در سال، به کمتر از یک درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. علت اصلی این کاهش نیز، سیر شدید کاهنده باروری در کشور می‌باشد.



نمودار ۳. روند تحولات تعداد و درصد رشد سالانه جمعیت ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ الی ۱۴۰۰ هجری شمسی

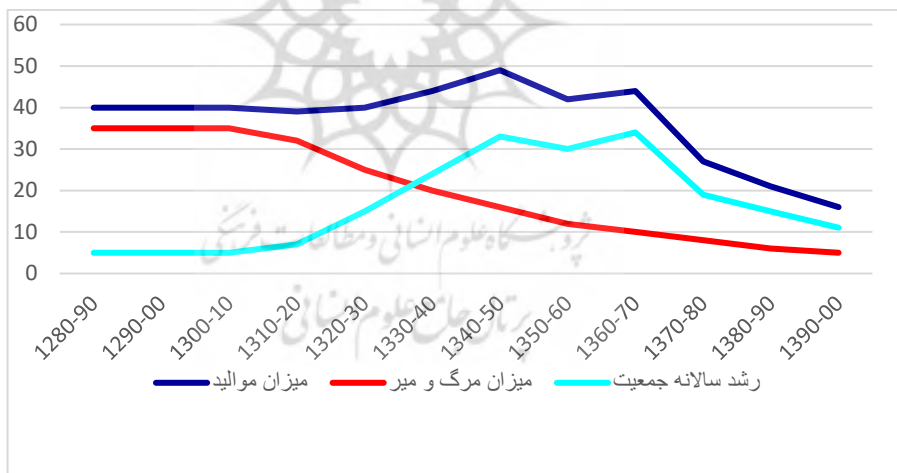
گذار جمعیتی در ایران

در مورد گذار یا انتقال جمعیتی در ایران می‌توان گفت که میزان مرگ‌ومیر از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۲۰، (همراه با ثبات نسبی میزان مولید در حول و حوش ۴۰ در هزار)، بطور محسوس تنزل یافته و بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم (۱۳۲۰)، کاهش اساسی و مستمر سطح مرگ‌ومیر در ایران آغاز می‌گردد. چه در این سال‌هاست که انجام واکسیناسیون‌ها در سطح گسترده و توجه به بهداشت کودکان در مدارس، مطرح و بطور فزاینده اقداماتی در این موارد صورت می‌گیرد. همچنین در همین سال‌ها، کوشش‌های سازمان یافته‌ای به منظور ریشه‌کن کردن و درمان پاره‌ای از بیماری‌ها به خصوص مالاریا و سل انجام می‌پذیرد. بر اساس برآوردهای انجام شده، امید زندگی در بدو تولد در سال ۱۳۳۵ در ایران برابر ۳۷/۵ سال بود و در سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ به ترتیب به ۴۷/۵، ۵۷/۵، ۵۹، ۶۸، ۷۲ و ۷۴

سال رسیده است.

به دنبال کاهش اساسی و مستمر مرگ‌ومیر و افزایش رشد جمعیت و در پاسخ به چنین روندی، از اواسط دهه ۱۳۶۰ اتفاق جمعیت‌شناختی مهم دیگری در ایران رخ می‌دهد و آن کاهش اساسی و مستمر زاد و ولد و باروری و در نتیجه تعدیل میزان رشد جمعیت می‌باشد (میرزایی، ۱۳۸۲: ۶۴). این میزان، چنانکه در نمودار زیر ملاحظه می‌شود، پس از کاهش نسبی در دوره ۱۳۴۵ الی ۱۳۵۵، در بعد از انقلاب اسلامی افزایش یافت، تا اینکه در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰، روند کاهش باروری در ایران با سرعت چشمگیری آغاز شد.

در خرداد ۱۳۶۷، دولت به‌طور رسمی سیاست تحدید موالید را اعلام کرد و متعاقب آن برنامه‌های تنظیم خانواده اجرا و بر روند کاهش باروری شتاب بخشید. به طوری که میزان باروری کل از حدود ۶/۷ فرزند در سال ۱۳۶۵ به ۲/۹ فرزند در سال ۱۳۷۵ رسید. این کاهش همچنان ادامه داشته بطوریکه در سال ۱۴۰۰ به حدود ۱/۶ فرزند رسیده است. نمودار زیر مراحل گذار یا انتقال جمعیتی ایران را طی سال‌های ۱۲۸۰ تا ۱۴۰۰ نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود ایران در آستانه ورود به مرحله چهارم انتقال جمعیتی، یعنی رسیدن میزان‌های موالید و مرگ‌ومیر به حداقل ممکن، می‌باشد.



نمودار ۴. گذار جمعیتی ایران طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۲۸۰ (هجری شمسی)

مراحل گذار جمعیتی ایران از جوانی به سالمندی

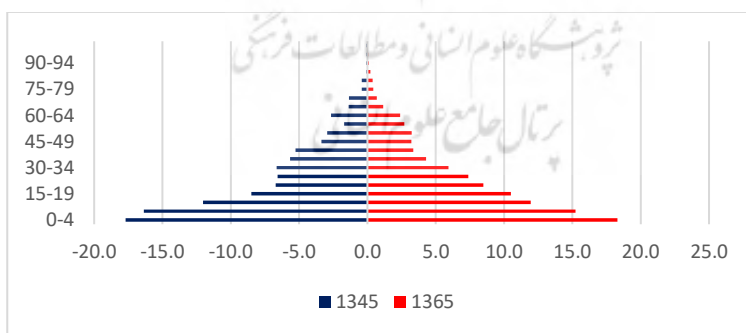
تحولات میزان‌های باروری و مرگ‌ومیر در ایران، باعث ایجاد تغییراتی در ساختمان سنی جمعیت کشور گردید. جدول ۳ توزیع درصد جمعیت ایران را طی سال‌های سرشماری (۱۳۹۵-۱۳۴۵)، و آینده نگری آنرا تا سال ۱۴۳۵ نشان می‌دهد. با مراجعه به این جدول، ملاحظه

می‌گردد که در سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵، به دلیل بالا بودن میزان باروری و کاهش تدریجی میزان مرگ و میر، بالغ بر ۴۰ درصد از جمعیت کشور در سنین کمتر از ۱۵ سال قرار داشتند و به تعبیری جمعیت کشور جوان بوده است. چنانکه هرم سنی جمعیت ایران در این سال‌ها نیز، هرمی مثلثی شکل با قاعده وسیع است.

از سال ۱۳۷۵ بالی ۱۳۹۵ با کاهش تدریجی باروری، از سهم جمعیت کمتر از ۱۵ سال کاسته شده و بر درصد جمعیت ۲۹-۱۵ سال افزوده شده است. لذا می‌توان گفت که طی دوره ۲۰ ساله فوق، سهم جوانان در کشور در بالاترین درجه قرار داشته است. ادامه کاهش باروری و افزایش سن متولدین سال‌های قبل، از سال ۱۳۹۵ به بعد از سهم جمعیت ۲۹-۱۵ ساله نیز کاسته شده و بر سهم جمعیت میانسال (۶۴-۳۰ ساله) افزوده می‌شود. در ضمن از سال ۱۳۶۵ به بعد سهم جمعیت سالمند کشور سیر فزاینده خود را آغاز نموده است، بطوریکه در بازه ۱۴۰۰-۱۴۱۵ در مرحله اول سالمندی، در سال‌های ۱۴۲۵-۱۴۱۵ در مرحله دوم و از حدود سال ۱۴۳۰ به بعد مرحله سوم سالمندی را تجربه خواهد نمود.

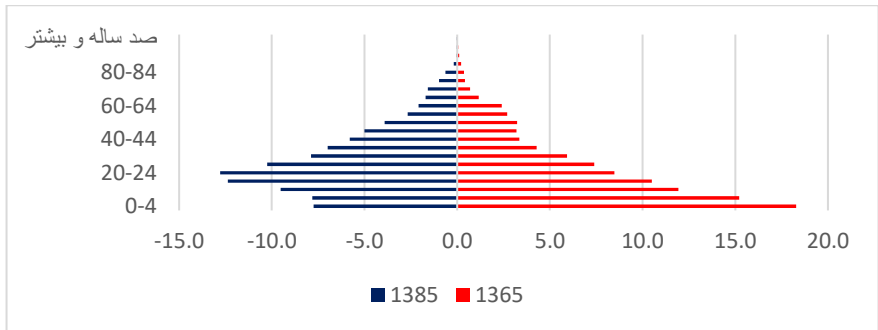
جدول ۳. توزیع درصد جمعیت ایران بر حسب گروه‌های سنی بزرگ در سال‌های ۱۴۳۵-۱۳۴۵

گروه‌های سنی	1345	1355	1365	1375	1385	1395	1415	1425	1435
0-14	46/1	44/5	45/5	39/5	25/1	24/0	16/3	15/0	14/0
15-29	21/8	25/2	26/4	28/4	35/4	25/1	21/8	17/8	15/7
30-64	28/3	26/7	25/1	27/7	34/3	44/8	49/9	49/8	45/6
65+	3/9	3/5	3/0	4/4	5/2	6/1	12/0	17/4	24/7



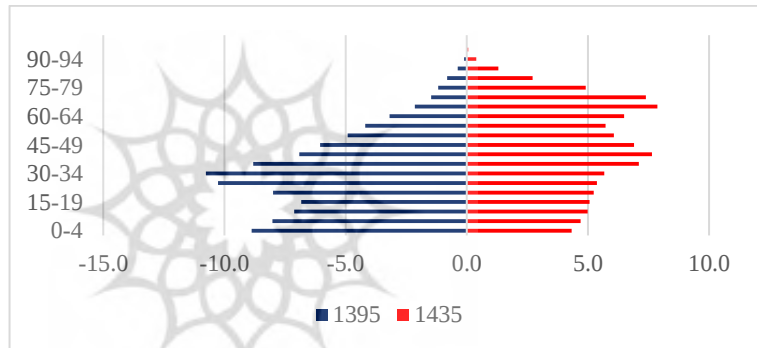
نمودار ۵. هرم سنی جمعیت ایران در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۶۵

مقایسه هرم سنی جمعیت ایران در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵ بیانگر، جوانی جمعیت کشور در سال ۱۳۶۵ و بالا بودن سهم جوانان (۲۹-۱۵ ساله) در سال ۱۳۸۵ است.



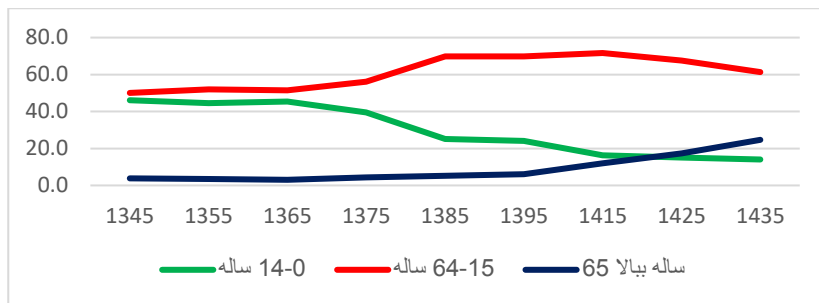
نمودار ۶. هرم سنی جمعیت ایران در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵

جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵ به سمت میانسالی در حرکت است و تعداد و درصد جوانان رو به کاهش می‌باشد. طبق پیش‌بینی‌های انجام شده، هرم سنی جمعیت کشور در سال ۱۴۳۵، خمره‌ای شکل خواهد شد و سهم سالمندان چشمگیر می‌باشد.

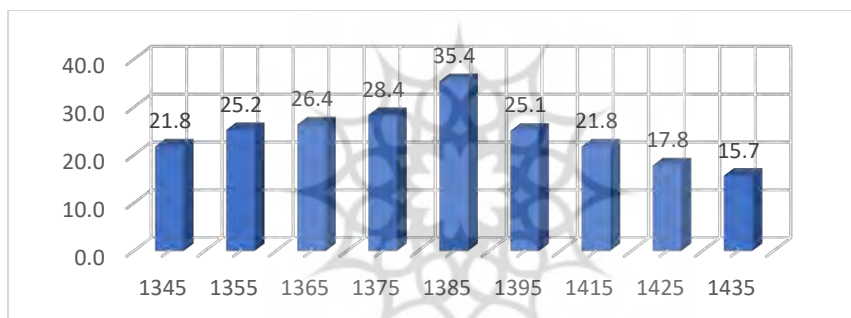


نمودار ۷. هرم سنی جمعیت ایران در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۴۳۵

نمودار ۸ روند تحولات جمعیت ایران را بر حسب سه گروه سنی بزرگ نشان می‌دهد. در این جا نیز ملاحظه می‌شود که تا سال ۱۳۷۵ جمعیت ایران جوان بوده، و از آن سال به بعد از جوانی جمعیت کاسته شده و بتدریج به سمت میانسالی و سالخوردگی می‌رود. روند تحولات جمعیت جوانان کشور (۲۹-۱۵ ساله‌ها)، طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۵ در نمودار زیر ارائه شده است. درصد جمعیت ۲۹-۱۵ ساله در سال ۱۳۴۵ برابر ۲۱/۸ درصد بود که حدود یک پنجم جمعیت ۲۵ میلیون نفری کشور را شامل می‌شده است. این رقم طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۵ سیر فزاینده داشت و در سال ۱۳۸۵ به ۳۵/۴ درصد رسیده است.



نمودار ۸. توزیع درصد جمعیت ایران بر حسب گروه‌های سنی بزرگ در سال‌های ۱۳۴۵-۱۴۳۵ در نتیجه، بیش از یک سوم از جمعیت ۷۵ میلیون نفری کشور را جوانان تشکیل می‌دادند. از سال ۱۳۸۵ به بعد، درصد جمعیت جوانان کشور کاهش یافته بطوریکه با پیش بینی‌های انجام شده، در سال ۱۴۳۵ به ۱۵/۷ درصد خواهد رسید. یعنی کمتر از یک ششم جمعیت کشور را جوانان تشکیل خواهند داد.



نمودار ۹. روند تحولات جمعیت جوانان کشور طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۴۳۵

بحث و نتیجه‌گیری

جمعیت، ساختار و پویایی آن در هر کشور، محور برنامه ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. تحولات جمعیتی، تقریباً همه جوانب زندگی و جهان پیرامون ما را تحت تأثیر قرار داده و اثرات متعددی بر خرده نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی دارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد. رشد جمعیت و تغییر ساختار سنی آن، هر دو از پیامدهای گذار جمعیتی هستند.

جوانی جمعیت، جزء مهمی از مسائل مربوط به ساختار جمعیت در کشورهای در حال توسعه است. ترکیب گروه‌های سنی، از نظر تغییر روابط متقابلی که با باروری و مرگومیر دارند، همچنین از نظر میزان فعالیت، اشتغال، نیروی انسانی، مقدار و نوع هزینه‌های هر گروه سنی و روابط اقتصادی-اجتماعی گروه‌های سنی با یکدیگر، حائز اهمیت است. در مراحل مختلف

تحولات و گذار جمعیتی، ساختار جمعیت‌ها تغییر نموده و عمدتاً از جوانی به سمت سالخوردگی می‌روند.

گذار جمعیتی پدیده‌ای است که طی آن، جمعیت‌ها از وضعیتی که هم مرگ‌ومیر و هم باروری، بالا، و رشد جمعیت متعادل است، به وضعیتی که هم مرگ‌ومیر و هم باروری، پایین و رشد جمعیت نیز متعادل است می‌رسند. با طی شدن مرحله انتقال باروری، به تدریج قاعده هرم سنی جمع شده و مرحله انتقال ساختار سنی جمعیت شروع می‌شود. در فاز نخست گذار جمعیتی، به علت کاهش مرگ‌ومیر، به ویژه در سنین اولیه، شاهد افزایش سریعی در نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال هستیم. به عبارتی، تورم جمعیتی در سنین زیر ۱۵ سال اتفاق می‌افتد و جمعیت جوان است. در این شرایط شکل هرم سنی مثلی است.

کشور ایران تا قبل از سال ۱۳۰۰ (ه. ش.) با داشتن میزان‌های موالید و مرگ‌ومیر در سطح حداکثر طبیعی، در مرحله اول گذار جمعیتی قرار داشت و رشد جمعیت آن، بسیار ناچیز بود. از سال ۱۳۰۰ به بعد، با کاهش تدریجی مرگ‌ومیر وارد مرحله دوم گذار جمعیتی گردید، این روند تا اواخر دهه ۱۳۶۰ ادامه داشت. طی این دوره هرم سنی جمعیت کشور بتدریج به شکل مثلث با قاعده وسیع در آمد، و بالغ بر ۴۰ درصد از جمعیت در سنین زیر ۱۵ سال قرار داشتند و به تعبیری جمعیت کشور دارای ساختار جوان بود. فاز سوم گذار جمعیت شناختی ایران، با کاهش باروری، از نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ آغاز گردید. سرعت کاهش باروری و مسیر دستیابی آن به سطح جایگزینی و حتی پایین‌تر از آن در دهه ۱۳۷۰ به اندازه‌ای چشمگیر و خارق‌العاده بوده که تعبیر "انقلاب باروری"، در مورد آن به کار رفته است. در این مرحله قاعده هرم سنی جمعیت جمع‌تر شده و سهم جوانان افزایش می‌یابد. بطوریکه در سال ۱۳۸۵ حدود ۳۶ درصد از جمعیت کشور به جوانان ۱۵-۲۹ ساله اختصاص داشته است. کاهش باروری طی دو سه دهه اخیر، باعث گردیده که سهم جمعیت میانسال افزایش یابد و پیش‌بینی‌های جمعیتی نیز نشان داده که از بعد از سال ۱۴۰۰ جمعیت کشور وارد مرحله اول سالخوردگی جمعیت شده و از سال ۱۴۳۰، فاز سوم سالخوردگی جمعیت را تجربه نماید.

در حال حاضر سهم زیادی از جمعیت کشور مراحل جوانی را پشت سر گذاشته و در دوره میانسالی قرار دارند که طی ۳۰-۲۰ سال آینده وارد مرحله سالخوردگی خواهند شد. در ضمن به دلیل باروری بالای جمعیت در دهه ۱۳۶۰ مدت زمان سپری شدن دوره سالخوردگی جمعیت کشور، از مرحله اول به مرحله سوم بسیار کوتاه خواهد بود. در این دوره به شدت از

سهم جمعیت فعال کاسته شده و بارتکفل و نسبت وابستگی افزایش خواهد یافت. برای برون رفت از چنین پدیده‌ای، افزایش باروری و حفظ جمعیت جوان و بالنده از طریق توسعه امکانات بهداشتی درمانی و تقویت زیربنای کشورهای کشور برای جذب بیشتر جوانان و جلوگیری از مهاجرت آن‌ها می‌تواند راهشگا باشد.

در صورت اجرای دقیق قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و افزایش میزان باروری تا سطح ۲/۵ فرزند در سال ۱۴۰۵، قاعده هرم سنی جمعیت کشور کمی بازتر خواهد شد و در صورت ادامه این وضعیت، می‌توان امیدوار بود که از سال ۱۴۲۰ به بعد سهم جمعیت جوانان کشور افزایش یابد.

منابع

الف) منابع فارسی

- آریاگا، ادوارد (۱۳۷۸)، *روش‌های تحلیل جمعیت*، ترجمه فاروق امین مظفری، تبریز، انتشارات احرار

- اشکورجیری، تهمینه، محمداصادق علیپور و الهام غلامی (۱۳۹۵)، *سالخوردگی جمعیت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی با استفاده از حساب‌های استانی، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال یازدهم، شماره ۲۱، ۱۵۴-۱۳۷

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر.

- کویر- تودارو، مایکل. (۱۳۶۸)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه: غلامعلی فرجادی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

- رولاند، دونالد (۱۳۹۶)، *سالخوردگی جمعیت، زمینه‌ها، پیامدها، سیاست‌ها*، ترجمه یعقوب فروتن، تهران، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

- سربای، حسن (۱۳۸۷). *گذار جمعیتی دوم، با نیم نگاهی به ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۴۰-۱۱۸

- سربینی واسان، کی (۱۳۸۴)، *فنون اساسی تحلیل و کاربرد جمعیت‌شناسی*، ترجمه محمد امین کنعانی، رشت، انتشارات دانشگاه گیلان

- صادقی، رسول، محمد جلال عباسی شوازی و سراج‌الدین محمودیانی (۱۳۹۴)، *تورم جوانی جمعیت در ایران: خلأهای تحقیقاتی و الزامات سیاستی، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*،

سال دهم، شماره ۱۹، ۴۳.

- عرفانی، امیر، رؤیا جهانبخش، عبدالحسین کلانتری (۱۳۹۹)، فردگرایی و نیات باروری، نامه انجمن جمعیت‌شناسی/ایران، سال پانزدهم، شماره ۲۹، ۲۶۴-۲۳۹
- فتحی، الهام (۱۳۹۹)، نگاهی به گذشته، حال و آینده جمعیت/ایران، تهران، پژوهشکده آمار
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۸)، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه
- لهسایی زاده، عبدالحی (۱۳۷۹)، ساختار سنی جمعیت، شیراز، انتشارات نوید شیراز
- لوکاس، دیوید، پاول میر، (۱۳۸۱)، درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، انتشارات دانشگاه تهران
- مرکز آمار ایران (۸۵-۱۳۳۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- محبی میمندی، مهیار، مجید کوششی و علی سور (۱۴۰۱)، رشد جمعیت، تغییر ساختار سنی و پیامدهای اقتصادی آن در ایران: تجزیه و تحلیل سهم گروه‌های سنی، نامه انجمن جمعیت‌شناسی/ایران، سال هفدهم، شماره ۳۴، ۳۴۶-۳۰۹
- ویکس، جان (۱۳۹۵)، جمعیت: مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات، ترجمه الهه میرزایی، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
- هاپت، آرتورو تامس تی کین (۱۳۹۶)، راهنمای جمعیت، ترجمه طه نورالهی، تهران، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

ب) منابع انگلیسی

- Inglehart, Ronald, Welzel, Christian, (1989) *Modernization, Cultural Change and Democracy*, Cambridge University Press.
- Lesthaeghe, Ron (1995). "The Second Demographic Transition in Western Countries: An Interpretation", In Mason K. & Jensen A-M (ed. s) *Gender and Family Change in Industrialized Countries*, Oxford, Clarendon Press.
- United Nations (2020). *Population Division of the Department of Economic and Social Affairs of the United Nations Secretariat, World Population Prospects: The 2010 Revision*, <http://esa.un.org/unpd/wpp/index.htm>
- Van de Kaa, D. (2001). *Second Demographic Transition: Concepts, Dimenstions, New Evidence*, online available at: http://www.demogr.mpg.de/papers/workshop/010623_paper04.pdf
- Van de Kaa, D. (2002). *The Idea of a Second Demographic Transition in*

Industrial Countries, Paper presented at the Sixth Welfare Policy Seminar of the National Institute of population and Social Security, Tokyo, Japan, 29 January, 2002.

- Weil, D. N. (2006). *Population Ageing*, Working Paper, No. 12147, The National Bureau of Economic research.
- World Values Survey (2008). Online Available at: <http://www.worldvaluessurvey.org/>
- (2019) *World Population Prospects*, United Nations Population Division, Department of Economic and Social Affairs
- Zelinsky, W. (1979). *The Hypothesis of the Mobility Transition*. *Geographical Review*, 61(2): 219-249

